

بایسته های حقوقی درباره شرکت تضامنی

طبق قانون تجارت، شرکت تضامنی توسط مدیر یا مدیرانی که به وسیله شرکا انتخاب می شوند اداره می شود بنابراین انجام هر فعالیتی توسط شرکت، بدون انتخاب مدیر غیرممکن خواهد بود و هر معامله ای که به نام شرکت انجام شود،



تابناک: طبق قانون تجارت، شرکت تضامنی توسط مدیر یا مدیرانی که به وسیله شرکا انتخاب می شوند اداره می شود بنابراین انجام هر فعالیتی توسط شرکت، بدون انتخاب مدیر غیرممکن خواهد بود و هر معامله ای که به نام شرکت انجام شود، چه توسط شریک و چه توسط مدیر شرکت، فضولی بوده و تابع مقررات معامله فضولی است و باید همه شرکا آن را تنفیذ کنند.

مدیر یا مدیران شرکت تضامنی باید با اتفاق نظر تمام شرکا انتخاب شوند. با این حال شرکا می توانند ضمن شرکت نامه یا اساسنامه، انتخاب از راه اکثریت آرا را پیش بینی کنند. تعداد مدیران از طریق اساسنامه یا از طریق توافق جداگانه مشخص می شود. تعیین مدیر یا مدیران باید مقارن تشکیل شرکت و قبل از تقاضای ثبت آن به عمل آید زیرا یکی از مدارکی که لازم است، برای ثبت شرکت، به مرجع ثبت شرکت ها داده شود، نوشته ای به امضای مدیر شرکت، حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی یا غیرنقدی با تعیین قیمت آنها است و این امر، همان طور که معلوم است، وجود مدیر شرکت قبل از ثبت شرکت را ایجاد می کند. به گزارش پژوهشکده باقرالعلوم، قانون در مورد تشریفات انتخاب مدیر ساکت است و ظاهراً انتخاب مدیر می تواند در شرکت نامه یا ضمن اساسنامه یا به موجب توافق جداگانه به عمل آید. اما اداره ثبت شرکت ها، نمونه هایی از شرکت نامه از پیش تنظیم کرده است که جهت ثبت شرکت نام مدیر باید در آن قید شود و از آنجایی که ثبت شرکت و تقدیم شرکت نامه، الزامی است، می توان نتیجه گرفت که تعیین مدیر باید در شرکت نامه صورت پذیرد. البته مدیران بعدی ممکن است به موجب سند دیگری تعیین شوند.

مدیر یا مدیران شرکت تضامنی می توانند یک شخص حقیقی یا حقوقی باشند.

عزل مدیر

هرگاه در شرکت نامه یا اساسنامه شرکت، شرایط عزل مدیر معین شده باشد، مطابق آن عمل می شود. برای مثال، ممکن است شرکا برای عزل مدیر، اتفاق نظر شرکا را پیش بینی نکرده بلکه رای اکثریت را کافی تلقی کرده باشند. در این صورت نظر اکثریت مذکور برای عزل مدیر کافی خواهد بود. اما اگر در مورد عزل مدیر توافق قبلی نشده و این موضوع در شرکت نامه یا اساسنامه مسکوت مانده باشد، عزل مدیر تنها از طریق توافق همه شرکا ممکن خواهد بود.

مدت مدیریت

مدت مدیریت با به پایان رسیدن مهلت معین شده در شرکت نامه یا اساسنامه خاتمه می یابد و در صورتی که مدیریت بدون قید مدت باشد، فوت، محجوریت، ورشکستگی، استعفا، یا عزل مدیر می تواند باعث خاتمه آن باشد.

قلمرو اختیارات مدیر

مدیر در شرکت تضامنی طبق قانون تجارت در حکم وکیل شرکت است بنابراین برای اینکه بتواند شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد سازد، باید به نام شرکت و در حدود اختیارات خود و موضوع شرکت اتخاذ تصمیم نماید. در غیر این صورت، شخصا مسئول تعهدات مزبور خواهد بود.

شرکا می توانند در اساسنامه شرکت، حدود اختیارات مدیر را تعیین کنند. با این حال قانونگذار در دو مورد اختیارات مدیر شرکت تضامنی را محدود کرده است:

محدودیت انجام فعالیت های تجاری

مدیر یا شریک شرکت تضامنی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکا (به حساب خود یا حساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت انجام دهد همچنین مدیر یا شریک حق ندارد به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود، در

شرکت دیگری که تجارتی از نوع تجارت شرکت دارد، داخل شود.

محدودیت در تقسیم سود

ماده 132 قانون تجارت مقرر می دارد «اگر در نتیجه ضررهای وارده به شرکت، سهم الشرکه شرکا کم شود، مادام که این کمبود جبران نشده، تادیه هر نوع منفعت به شرکا ممنوع است.» به عبارت دیگر مدیر شرکت تضامنی، حق ندارد تا جبران ضرر وارده به شرکت، سود حاصله را تقسیم کند.

انجام فعالیت در حدود اذن شرکا و موضوع شرکت

مدیر شرکت تضامنی حق ندارد خارج از اختیاراتی که شرکا در اساسنامه شرکت یا طی قرارداد جداگانه ای تعیین کرده اند، معامله کند همچنین مدیر نمی تواند خارج از موضوع شرکت معامله کند.

مسئولیت های مدنی مدیر شرکت

مدیر شرکت تضامنی در مقابل اعضای شرکت و اشخاص ثالث دارای مسئولیت های جداگانه ای است که در زیر هر یک به صورت مجزا آمده است:

مسئولیت های مدنی مدیر شرکت در قبال شرکا

همانطور که در بالا اشاره شد مدیر شرکت تضامنی، در حکم وکیل شرکت است و بنابراین نسبت به اموال و اسناد شرکت امین محسوب می شود. البته این در صورتی است که وی در اقدامات خود، مصلحت و غبطه شرکت را مراعات کرده و از حدود اختیارات و وظایفی که طبق قانون و اساسنامه دارد تجاوز نکند. در غیر این صورت، هرگاه از تقصیر مدیر، خسارتی به شرکت متوجه شود، که عرفا مدیر مسبب آن محسوب شود، وی مسئول خواهد بود و شرکت حق دارد خسارت وارده به خود را از مدیر مطالبه کند.

فرض کنیم مدیر، اموال شرکت را حیف و میل می کند. این عمل مدیر خطاست و زیان ناشی از این خطا را باید مدیر جبران کند.

مسئله ای که مطرح است اینکه اگر شرکت بخواهد علیه مدیر اقامه دعوا کند، چه کسی می تواند این دعوا را در دادگاه طرح کند؟ در این جا چند فرض مطرح است:

1- اگر حین اقامه دعوا مدیر مورد تعقیب دیگر مدیر شرکت نباشد، مدیر فعلی به نمایندگی از طرف شرکت علیه او اقامه دعوا خواهد کرد.

2- در صورتی که مدیر خاطی هنوز مدیر شرکت باشد، هرگاه همه شرکا راضی به طرح شکایت شوند، می توانند از طرف شرکت علیه مدیر خاطی اقامه دعوا کنند. سود و زیان این دعوا نیز تا زمانی که شرکت منحل نشده است، به پای شرکت گذاشته خواهد شد.

3- در صورتی که همه شرکا راضی به طرح دعوا نشوند، هر شریکی که بخواهد اقامه دعوا کند، باید دعوی خود را بر اساس قواعد عام مطرح کند یعنی اولاً فقط نسبت به سهم خود می تواند طرح دعوا کند، ثانیاً باید ثابت کند که در اثر ورود زیان به شرکت، به او هم زیان وارد شده و ثالثاً زیان وارد به او به سبب خطای مدیر بوده است.

مسئولیت های مدنی مدیر در مقابل اشخاص ثالث

مدیر شرکت، نماینده شرکت محسوب می شود بنابراین در مقابل اشخاص ثالث، شرکت متعهد بوده و در صورت تخلف در اجرای تعهدات، اشخاص طرف معامله، می توانند علیه شرکت طرح دعوا کرده و عنداللزوم تقاضای ورشکستگی شرکت را مطرح کنند و مدیر در مقابل اشخاص ثالث مسئولیتی ندارد.

اما مسئولیت شرکت در صورتی قابل طرح است که مدیر، حدود اختیارات خود را رعایت کرده، همچنین از حدود موضوع

شرکت خارج نشده باشد. در غیر این صورت، مطابق مقررات عام، اشخاص ثالث فقط حق دارند به مدیر رجوع کنند و مسئولیت تنها متوجه مدیر خواهد بود. برخی حقوقدانان عقیده دارند در صورتی که حدود و اختیارات مدیر، ثبت و آگهی شده باشد و مدیر، معامله ای خارج از اختیارات خود انجام دهد، شرکت مسئول نخواهد بود. در غیر این صورت، شرکت در قبال هر معامله ای، چه خارج از اختیارات مدیر و چه در حیطه آن، مسئول است.

مسئولیت کیفی مدیر

هرگاه مدیر در اجرای وظایفش، مرتکب جرمی شود، شخصا مسئول اعمال خویش است؛ هر چند در صورتی که بر اثر ارتکاب جرم مذکور، ضرر مادی وارد شود، می توان شرکت را به پرداخت آن محکوم ساخت.

اداره شرکت تضامنی در صورت تعدد مدیران

همانطور که قبلا اشاره شد، شرکای شرکت تضامنی می توانند برای اداره شرکت چند مدیر انتخاب کنند. در این صورت معاملات آنان با اشخاص ثالث در صورتی موثر خواهد بود که مطابق قواعدی که برای نحوه تصمیم گیری آنها در شرکت نامه یا اساسنامه آمده است عمل کرده باشند و اگر نحوه تصمیم گیری مدیران، به اتفاق یا به صورت انفرادی، در شرکت نامه یا اساسنامه قید نشده باشد، مطابق قواعد عام وکالت، هیچ یک از آنان نمی تواند بدون دیگری یا دیگران تصمیم گیری کند.

نقش مستقیم شرکا در اداره شرکت

شرکا می توانند در شرکت به دو طریق در تصمیمات و اقدامات شرکت دخالت کنند:

الف) نظارت بر اقدامات مدیر: در شرکت تضامنی، همه شرکا می توانند بر کار شرکت نظارت مستقیم داشته باشند اما می توان در شرکت نامه، ناظری بر کار مدیران شرکت تعیین کرد.

ب) حق عزل مدیرعامل: قانون برای شرکا اختیاراتی پیش بینی کرده است؛ از جمله حق انتخاب و عزل مدیر، تغییر اساسنامه و شرکت نامه، حق فسخ شرکت، خروج یکی از شرکا، ماندن در شرکت در صورت فوت یکی از شرکا، تبدیل شرکت به شرکت سهامی و....

برای تصمیم گیری در مورد هر یک از موارد بالا، اتفاق نظر شرکا لازم است مگر اینکه اساسنامه یا شرکت نامه طریق دیگری را مشخص کرده باشد. برای مثال در اساسنامه پیش بینی شده باشد که رای اکثر شرکا برای تصمیم گیری کافی است.